

شناسایی سطوح توسعه در مناطق ایران

اثر: دکتر کرامت الله زیاری

دانشیار دانشگاه یزد

(از ص ۳۴۷ تا ۳۶۲)

چکیده:

این مقاله با استفاده از ۱۵ شاخص انتخابی (۵ شاخص طبیعی و ۱۰ شاخص اقتصادی - اجتماعی) و به کارگیری مدل «شاخص ترکیبی توسعه»، سطوح توسعه در نه کلان منطقه کشور را شناسایی و اندازه گیری کرده است.

مناطق ایران از نظر شاخصهای طبیعی، اجتماعی - اقتصادی و شاخصهای تلفیقی، همگن نیست و در آنها نابرابری به چشم می خورد. میزان شکاف توسعه یافتگی طبیعی، اقتصادی - اجتماعی و تلفیقی مناطق کشور به ترتیب ۱/۷، ۲۵/۶ و ۵/۶ است.

در ایران منطقه، با سطح توسعه بالای طبیعی به دست نیامد. تنها منطقه با سطح توسعه طبیعی، منطقه جنوب غرب و تنها منطقه با سطح توسعه بالای اقتصادی - اجتماعی منطقه مرکزی کشور است. بحرانی ترین منطقه از نظر سه گروه شاخصهای یاد شده، منطقه غرب کشور است. مسئله مهم عدم وجود همبستگی میان شاخصهای طبیعی و اقتصادی - اجتماعی توسعه در مناطق است ($r = -0.076$).

الگوی فضایی توسعه منطقه ای ایران، مدل «مرکز - پیرامون» است و مناطق با توسعه پایین عمدتاً در غرب و شرق کشور قرار دارد که از انزوای اقتصادی - اجتماعی و عدم وجود پیوند عمیق با مرکز کشور رنج می برند. تخصیص بهینه منابع، اتخاذ سیاست تمرکززدایی و زدودن تفاوت میان مناطق، براساس درجه توسعه نیافتگی ضروری است.

واژه های کلیدی: شناسایی، سطوح توسعه، مناطق..

مقدمه :

در ایران، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در برنامه دوم عمرانی کشور (۴۱-۱۳۳۴) مورد توجه قرار گرفت و به عنوان ابزاری برای توسعه مناطق عقب‌افتاده ولی مستعد، مطرح شد. گرچه در برنامه سوم عمرانی (۴۶-۱۳۴۱) طرح‌های جامع عمرانی در مناطقی از کشور تهیه و اجرا شد، اما در برنامه چهارم عمرانی (۵۱-۱۳۴۷) برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای از جایگاه قانونی برخوردار گردید و حاصل آن، شناسایی قطب‌های کشاورزی و مستعد بود. در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۴ با عقد قراردادهایی بین سازمان برنامه و بودجه با مهندسین مشاور خارجی (بتل، ستیران، ستکوپ و...) مسئله برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، بخصوص در ابعاد کلان منطقه‌ای وارد مرحله جدیدی گردید. نتایج حاصل از این مطالعات تهیه و ارائه طرح‌های توسعه از دیدگاه آمایش سرزمین مبتنی بر ساماندهی مطلوب فضا در ارتباط با منابع طبیعی و فعالیتهای انسانی و تخصیص بهینه منابع در پهنه سرزمین ملی و منطقه‌ای است [۱]. بعد از انقلاب، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، فضایی، آمایش سرزمین، کالبدی و طرح‌های جامع، در ابعاد ملی و منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. از آنجاکه هر نوع برنامه‌ریزی مکانی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی راهنمای سطوح پایین‌تر از خود قرار می‌گیرد، بنابراین ضرورت انجام مطالعات بعد از سطح ملی، متوجه مناطق کلان است؛ تا از یک طرف به اصل تمرکززدایی در سطح ملی نایل آید و از سوی دیگر به شناسایی مناطق از نظر درجه یا سطوح توسعه یافتگی در جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه یکپارچه مناطق جغرافیایی برای اختصاص بهینه منابع با توجه به سطوح توسعه مبادرت ورزد.

این مقاله با بهره‌گیری از شاخص‌های انتخابی ابتدا به شناسایی سطوح توسعه یافتگی مناطق پرداخته، میزان نابرابری و شکاف میان آنها را به دست می‌دهد؛

سپس، ارتباط میان قابلیت‌های طبیعی و اقتصادی - اجتماعی توسعه را به منظور برنامه‌ریزی جامع مورد بررسی قرار می‌دهد.

روش پژوهش و اطلاعات پایه‌ای

رویکرد کلی حاکم بر فضای تحقیق، "توصیفی - تحلیلی" است. در این روش ابتدا با مطالعه ساختار جغرافیایی کشور در قالب مؤلفه‌های ارائه شده، ایران به نه کلان منطقه جغرافیایی تقسیم می‌شود، آنگاه براساس پانزده شاخص انتخابی (۵ شاخص طبیعی و ۱۰ شاخص اقتصادی - اجتماعی) داده‌ها استخراج می‌گردد (جدول شماره ۱ و ۲). سرانجام با استفاده از «روش شاخص ترکیبی توسعه» الگوی پیشنهادی شامل سطوح توسعه‌ای مناطق نه گانه کشور تعیین و به منظور تحلیل داده‌ها از ضریب پراکندگی (Coefficient of Variation) و ضریب همبستگی استفاده می‌شود. منظور از سطوح توسعه، درجه یا اندازه شاخص توسعه است که از طریق مدل مورد استفاده در مقاله به دست می‌آید.

الف) تعیین مناطق جغرافیایی:

براساس موقعیت جغرافیایی از نظر همجواری، پیوندهای فرهنگی - اقتصادی و وجود مرکزیت مکانی برای عرضه خدمات برتر، کشور به نه کلان منطقه به شرح زیر تقسیم می‌گردد [۲]:

- ۱- منطقه شمال: شامل استانهای گیلان و مازندران.
- ۲- منطقه شمال غرب: شامل استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان.
- ۳- منطقه غرب: شامل استانهای کرمانشاه، کردستان و ایلام.
- ۴- منطقه جنوب غرب: شامل استانهای خوزستان، لرستان.

- ۵- منطقه میانی: شامل استانهای اصفهان، چهارمحال و بختیاری و یزد.
- ۶- منطقه جنوب: شامل استانهای فارس، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد.
- ۷- منطقه جنوب شرق: شامل استانهای کرمان، هرمزگان، سیستان و بلوچستان.
- ۸- منطقه شمال شرقی: شامل استان خراسان.
- ۹- منطقه مرکزی: شامل استانهای تهران، قم، مرکزی، قزوین، سمنان و همدان.

ب) شاخصهای انتخابی:

۱- طبیعی

- سهم قابلیت آبهای سطحی منطقه در کشور.
- سهم قابلیت آبهای زیرزمینی منطقه در کشور.
- سهم سطوح زیرکشت منطقه در کشور.
- سهم ذخیره قطعی معادن منطقه در کشور.
- سهم وسعت مراتع خوب منطقه در کشور.

۲- اقتصادی - اجتماعی

- سهم جمعیت شهری منطقه در کشور.
- ضریب شهرنشینی منطقه.
- سهم شاغلان بخش صنعت منطقه در کشور.
- سهم شاغلان بخش خدمات منطقه در کشور.
- سهم کل شاغلان منطقه در کشور.
- سهم ارزش افزوده کارگاههای بزرگ صنعتی منطقه در کشور.
- سهم شاغلان کارگاههای صنعتی منطقه در کشور.
- سهم تعداد کارگاههای با بیش از ۵۰۰ نفر کارکن منطقه در کشور.
- سهم ارزش افزوده تولیدات معدنی منطقه در کشور.

- سهم شاغلان معادن منطقه در کشور.

ج) شرح مدل

یکی از روشهایی که برای تعیین درجه یا سطوح توسعه یافتگی به کار می‌رود، «مدل شاخص ترکیبی توسعه» است. این روش از قابلیت گسترش و جایگزینی برخوردار بوده، در کشورها، مناطق، شهرها و روستاها کاربرد دارد. ساختار کلی مدل به شرح زیر است [۳]:

$$DC_{ij} = \frac{\text{Max}_j x_{ij} - \text{Actual Value}_j x_{ij}}{\text{Max}_j x_{ij} - \text{Min}_j x_{ij}} \quad \text{رابطه (۱)}$$

در رابطه (۱) DC_{ij} (Deprivation Score) شاخص محرومیت برای منطقه j ام با توجه به شاخص i ام است.

$$DC_j = \frac{1}{n} \sum DC_{ij} \quad \text{رابطه (۲)}$$

در رابطه (۲) شاخص میانگین محرومیت محاسبه می‌گردد:

$$DI = (1 - DC_j) \quad \text{رابطه (۳)}$$

رابطه (۳) "RDI" (Resources Development Index) میزان، درجه یا سطوح توسعه را در منطقه مشخص می‌کند که مقدار آن عبارتست از مابه‌التفاوت عدد یک از متوسط مقدار شاخص توسعه که معمولاً بین یک حداقل (صفر) و یک حداکثر (یک) قرار می‌گیرد.

اگر $0 \leq RDI < 0/5$ باشد منطقه دارای سطح توسعه پایین (عقب‌افتاده، محروم، توسعه نیافته) و اگر $0/8 \leq RDI < 0/5$ باشد منطقه از سطح توسعه متوسط و اگر $0/8 \leq RDI \leq 1$ باشد منطقه از سطح توسعه بالا (توسعه یافته) برخوردار است.

برای محاسبه حداقل و حداکثر شاخص توسعه، حداقل‌ها و حداکثرها در چند عنصر شاخص در نظر گرفته می‌شوند.

ضریب پراکندگی (C.V) مقدار پراکندگی را محاسبه می‌کند [۴]:

$$CV = \frac{\sqrt{\frac{\sum_{i=1}^n (x_i - \bar{x})^2}{n}}}{\frac{\sum_{i=1}^n x_i}{n}}$$

که در این فرمول:

CV: ضریب پراکندگی، x_i : ارزش شاخصهای منطقه، \bar{x} : میانگین ارزش شاخصهای منطقه، n : تعداد مناطق است.

جدول شماره ۱۱: وضعیت منابع انسانی، اقتصادی - طبیعی در مناطق نه گانه

[۱] وسعت منابع	[۸] شاغلان	[۸] شاغلان معین	[۷] تعداد	[۵] شاغلان	[۲] ارزش افزوده	[۶] وسعت	[۶] منابع	[۶] آب	[۶] انرژی	[۶] انرژی	[۶] کل	[۵] شاغلان	[۵] شاغلان	[۵] شاغلان	[۶] شهری	[۵] جمعیت	[۵] مساحت	مناطق	ردیف
خریدار (مکتب)	بیش معین	بیش از ۵۰۰ نفر	کوتاههای	کوتاههای	کوتاههای	مزارع	میان	میان	میان	میان	میان	بیش خدمت	بیش خدمت	بیش خدمت	شهری	جمعیت	کیلومتر مربع		
(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)	(۳۷۵)		
۱-۷۸۲۵	۸۱۸۲	۲۲۸۹۶	۲۲	۶۵۲۰۲	۱۸۱۸۲۵	۱۱۲۵۸	۲۸۰۰	۷۱۶۸	۱۲۲۲۸۱	۶۸۱۶۵	۲۵۲۰۷	۲۸۲۲۲۱	۶۲۶۱۰۲	۶۱۲۶۵	۱	شمال			
۸۶۲۶۵	۳۲۱۲	۲۱۰۸۵۵	۲۲	۸۶۸۱۲	۶۷۶۵۲۰	۱۲۲۰۸	۵۲۱۶	۸۷۱۲	۲۰۸۶۲۲	۷۱۲۲۸۸	۶۶۹۶۷	۲۲۸۰۱۶۵	۲۶۰۸۷۶۵	۱۲۲۵۸۲	۲	شمال غرب			
۱۱۷۲۱۵	۱۵۲۲	۱۰۸۲۲۲	۲	۸۷۸۶	۲۶۵۷۶۰	۶۱۷۲	۲۲۶۲	۳۲۶۲	۸۰۸۲۱۲	۲۲۲۸۰	۲۰۰۵۰۲	۲۰۶۱۶۶۶	۲۶۰۸۷۶۵	۷۰۵۶۶	۳	غرب			
۱۲۶۰۸۰	۲۷۸۲	۱۸۱۲۸۲	۱۹	۲۰۲۰۷	۲۲۵۱۸۸۵	۱۸۶۸۲	۱۵۷۲	۱۷۱۰۹	۹۵۸۲۰	۲۴۵۶۶	۲۰۸۷۰۵	۲۱۷۶۸۰۰۰	۵۲۸۲۸۰۸	۹۵۰۸۲	۴	جنوب شرق			
۷۲۱۷۵	۷۸۶۶	۲۵۱۱۱۹	۲۸	۹۸۲۱۸	۶۶۸۲۰۰	۸۲۷۱	۵۶۶۰	۲۸۲۱	۱۲۲۵۸۲۷	۶۰۰۱۸۹	۶۱۶۰۲۲	۲۸۵۱۰۲	۵۲۸۲۰۸	۱۱۰۲۲۰	۵	میان			
۲۱۲۲۵	۲۱۲۵	۹۱۶۵۸۸	۱۲	۲۷۶۶۲	۱۱۲۱۲۶۵	۱۱۰۰۷	۶۰۲۲	۲۸۵۵	۱۱۲۵۷۶۹	۵۵۰۰۲۱	۲۱۶۰۶	۲۷۶۰۶	۵۱۰۲۲۶۵	۱۵۸۰۶۵	۶	جنوب			
۱۶۵۰۰	۱۵۱۵۰	۱۱۰۶۲۶۶	۶	۱۵۶۸۱	۲۱۸۲۶۶۵	۹۸۲۱	۶۲۹۹	۲۵۲۰	۹۷۲۰۵۶	۶۵۸۰۶۱	۲۲۸۸۲	۲۲۹۷۸۲۲	۲۲۲۶۰۶۱	۲۲۲۵۶۵	۷	جنوب شرق			
۱۶۰۰۰	۲۶۶۸	۷۱۶۲۲۷	۱۲	۲۳۷۷۲	۱۲۵۳۲۶۵	۷۱۲۰	۵۱۲۸	۱۲۰۲	۱۵۵۲۲۸	۶۱۸۰۰۱	۶۶۸۱۶۸	۲۲۲۸۱۲۲	۶۰۲۲۱۶۸	۳۱۵۶۸۷	۸	شمال شرق			
۲۸۱۲۲۰	۹۶۸۲	۱۰۳۲۱۰۰	۱۷	۲۵۵۲۱۲	۶۷۰۶۶۹۰	۹۲۹۶	۶۵۸۱	۲۹۱۲	۳۲۱۸۲۸۱	۲۲۰۳۶۶۱	۱۲۳۸۶۶۱	۱۲۰۲۲۲۲۸	۱۵۲۱۸۲	۱۸۱۲۵۵	۹	مرکز			
۶۱۰۵۶۰	۵۵۸۱۲	۲۰۰۰۸۵۵	۲۶۶	۲۶۵۷۶	۷۲۶۲۹۶	۹۶۱۲	۲۲۶۸	۵۱۸۲	۱۵۶۲۰۸۶۲	۶۶۱۰۲۲۱	۲۲۶۰۶۲۱	۲۶۶۸۰۸۸	۵۸۱۲۲۶۰	۱۶۲۰۵۶۹	۱۰	کل کشور			

نتیجه :

سطح‌بندی توسعه مناطق کشور با توجه به شاخصهای طبیعی، شاخصهای اقتصادی - اجتماعی و تلفیق شاخصهای طبیعی و اقتصادی - اجتماعی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

الف) سطح‌بندی توسعه مناطق براساس شاخصهای طبیعی

داده‌های جدول شماره ۳ که سطح‌بندی توسعه مناطق کشور را بر مبنای پنج شاخص انتخابی طبیعی نشان می‌دهد، مبین آن است که در ایران مناطقی با درجه توسعه طبیعی بالا وجود ندارد. تنها منطقه با توسعه طبیعی متوسط، منطقه جنوب غرب (شامل استانهای خوزستان و لرستان) است. بقیه مناطق کشور دارای درجه پایین توسعه طبیعی هستند. بالاترین ضریب توسعه طبیعی (۰/۵۲) به منطقه جنوب غرب و پایین‌ترین ضریب (۰/۳۱۴) به منطقه غرب (مشمول بر استانهای کرمانشاه، کردستان) تعلق دارد. به نظر می‌رسد تفاوت در سیستم قابلیت آبهای سطحی نقش عمده‌ای در تفاوت شاخصهای طبیعی مناطق کشور ایفا می‌نماید. رتبه‌بندی مناطق نه گانه کشور (با سطح توسعه متوسط و پایین) به ترتیب عبارتند از:

- ۱- جنوب غرب ۲- شمال غرب ۳- جنوب شرق ۴- شمال ۵- میانی ۶- مرکزی ۷- جنوب ۸- شمال شرق ۹- غرب.

روشن است که مناطق بحرانی توسعه طبیعی کشور، مناطق غرب و شمال شرق است. منطقه غرب به جهت شرایط نامناسب اکولوژیک و کوهستانی و عدم وجود معادن کافی و منطقه شمال شرق به علت شرایط آب و هوایی خاص و تسلط کویر و کمی نزولات جوی و ناکافی بودن قابلیت آبهای سطحی و کمی معادن از پایین‌ترین سطح توسعه برخوردارند.

پراکندگی در اندازه شاخصهای توسعه راهنمای خوبی برای تخصیص بهینه منابع است. ضریب پراکندگی در اندازه شاخص توسعه طبیعی در مناطق نه گانه کشور چندان چشمگیر نیست ($CV=0/15$) و شکاف میان آنها برابر با $1/7$ است. بدیهی است مدیریت خاص منطقه‌ای، و تسهیلاتی در راستای فراهم کردن زیر ساختهای طبیعی برای ارتقاء شاخصهای طبیعی در مناطق کشور ضروری است.

جدول شماره ۳:

سطح بندی توسعه مناطق کشور بر اساس پنج شاخص انتخابی طبیعی

مناطق	اندازه شاخص توسعه	رتبه مناطق	سطح توسعه	شکاف توسعه	ضریب پراکندگی
جنوب غرب	۰/۵۲	۱	متوسط	۱/۷	۰/۱۵
شمال غرب	۰/۴۰۴	۲	پایین		
جنوب شرق	۰/۴	۳	پایین		
شمال	۰/۳۹۲	۴	پایین		
میانی	۰/۳۶۹	۵	پایین		
مرکزی	۰/۳۶۸	۶	پایین		
جنوب	۰/۳۵۴	۷	پایین		
شمال شرق	۰/۳۲۸	۸	پایین		
غرب	۰/۳۱۴	۹	پایین		

ب) سطح بندی توسعه بر اساس شاخصهای اقتصادی - اجتماعی

نتایج سطح بندی توسعه در ایران مبتنی بر شاخصهای اقتصادی - اجتماعی دقیقاً متفاوت از شاخصهای طبیعی است. از لحاظ ده شاخص انتخابی اقتصادی - اجتماعی منطقه مرکزی (استانهای تهران، قم، مرکزی، قزوین، سمنان، همدان) با ضریب ۰/۹۲۲ از بالاترین سطح توسعه و منطقه غرب با ضریب ۰/۰۳۶ از پایین ترین سطح توسعه برخوردارند. جایگاه سلسله مراتب توسعه مناطق کشور در

این ارتباط به ترتیب عبارتند از:

- ۱- مرکزی ۲- شمال ۳- میانی ۴- شمال غرب ۵- جنوب شرق ۶- شمال شرق
- ۷- جنوب غرب ۸- جنوب ۹- غرب.

ضریب پراکندگی درجه توسعه یافتگی مناطق کشور بسیار بالا و برابر با $0/۸۹ = C.V$ ، که حدود $۵/۹$ برابر توسعه یافتگی طبیعی است.

شکاف میان توسعه یافته‌ترین منطقه (مرکزی) و محروم‌ترین منطقه (غرب) بسیار فاحش و برابر $۲۵/۶$ است. مهمترین عامل تاثیرگذار در این زمینه اشتغال در بخشهای صنعت و خدمات، تعداد کارگاههای بزرگ صنعتی، تعداد کارگاههای بالای ۵۰۰ نفرکارکن و ارزش افزوده کارگاههای بزرگ صنعتی و بالای ۵۰۰ نفر کارکن است. با توجه به اندازه شاخصهای توسعه اقتصادی - اجتماعی مناطق، تخصیص منابع ضروری است. بدیهی است منطقه غرب کشور به عنوان محروم‌ترین باید در اولویت اول و مناطق جنوب، جنوب غرب، شمال شرق، جنوب شرق، شمال غرب به ترتیب در اولویت دوم و مناطق میانی و شمال در اولویت سوم تخصیص بهینه منابع قرارگیرند. روشن است بجز منطقه مرکزی بقیه مناطق هشت‌گانه کشور از سطوح توسعه پایینی برخوردارند. نتایج این پژوهش گویای آن است که عقب‌مانده‌ترین منطقه در حاشیه و نواحی مرزی کشور؛ منطقه مرکزی با درجه توسعه بالا و نزدیک به مرکزیت سیاسی کشور (تهران) قرار دارد، این مطلب نشانگر تصمیم‌گیرها و برنامه‌ریزیهای «مرکزگرا» مبتنی بر الگوی فضایی توسعه «مرکز - پیرامون» در نظام برنامه‌ریزی کشور است. در واقع هرچه از مرکز کشور به طرف حاشیه برویم از میزان توسعه یافتگی کاسته می‌شود. مقایسه اندازه شاخصهای توسعه طبیعی و اقتصادی - اجتماعی مبین تفاوت آشکاری در این ارتباط است.

در این پژوهش ارتباط معنی‌داری بین سطوح توسعه طبیعی با توسعه اقتصادی

- اجتماعی به دست نیامد. ($r = -0/0076$).

به عنوان مثال منطقه مرکزی از نظر توسعه طبیعی در رتبه ششم و در سطح پایین توسعه اما از نظر توسعه اقتصادی - اجتماعی در رتبه اول و سطح بالای توسعه جای می‌گیرد.

براساس یافته‌های فوق، اتخاذ سیاست تمرکززدایی، تهیه و اجرای طرح‌های ویژه توسعه با ارائه تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌های منطبق با ساختار منطقه‌ای به ترتیب درجه توسعه ضرورت دارد.

ج) سطح‌بندی توسعه براساس شاخصهای تلفیقی

نتایج بررسی براساس پانزده شاخص ترکیبی طبیعی و اقتصادی - اجتماعی مناطق کشور نشان می‌دهد که در درجه بالای توسعه منطقه‌ای کشور تغییراتی حاصل می‌گردد. بالاترین منطقه از نظر درجه توسعه به منطقه مرکزی اختصاص می‌یابد ولی در پایین‌ترین درجه یا سطح توسعه در مناطق کشور تغییراتی حاصل نمی‌گردد و کماکان منطقه غرب به عنوان محروم‌ترین منطقه از نظر توسعه یافتگی باقی می‌ماند. سلسله مراتب سطوح توسعه مناطق کشور به ترتیب عبارتند از:

۱- مرکزی ۲- میانی ۳- شمال غرب ۴- جنوب شرق ۵- جنوب غرب ۶- شمال ۷-

جنوب ۸- شمال شرق ۹- غرب.

از نظر شاخصهای انتخابی تلفیقی تنها یک منطقه با درجه توسعه بالا وجود دارد. منطقه توسعه یافته با درجه متوسط وجود ندارد. بقیه هشت منطقه جزء مناطق با درجه توسعه پایین قرار دارند. میزان شکاف یا نابرابری منطقه‌ای $5/6$ و ضریب پراکندگی میان اندازه شاخص‌های توسعه $0/55$ است.

مقایسه جدولهای شماره ۳، ۴ و ۵ که اندازه شاخصهای توسعه و درجه یا سطوح توسعه یافتگی مناطق نه‌گانه در ایران را نشان می‌دهد گویای آن است که در

ایران شکاف و نابرابری توسعه میان مناطق عمیق است. بنابراین، باید برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای که مبتنی بر از بین بردن سطوح نابرابری میان مناطق و درون مناطق است مورد توجه اساسی قرار گرفته، در الگوی توسعه فضایی تجدیدنظر گردد.

جدول شماره ۴: سطح بندی توسعه مناطق کشور براساس شاخص های اقتصادی - اجتماعی

مناطق	اندازه شاخص توسعه	رتبه مناطق	سطح توسعه	شکاف توسعه	ضریب پراکندگی
مرکزی	۰/۹۲۲	۱	بالا	۲۵/۶	۰/۸۹
شمال	۰/۳۵۳	۲	پایین		
میانی	۰/۳۴۳	۳	پایین		
شمال غرب	۰/۲۵۴	۴	پایین		
جنوب شرق	۰/۲۳۳	۵	پایین		
شمال شرق	۰/۱۴	۶	پایین		
جنوب غرب	۰/۱۳۸	۷	پایین		
جنوب	۰/۱۰۴	۸	پایین		
غرب	۰/۰۳۶	۹	پایین		

جدول شماره ۵: سطح بندی توسعه مناطق کشور براساس ۱۵ شاخص طبیعی،
اقتصادی - اجتماعی انتخابی

مناطق	اندازه شاخص توسعه	رتبه مناطق	سطح توسعه	شکاف توسعه	ضریب پراکندگی
مرکزی	۰/۷۱۷	۱	متوسط	۵/۶	۰/۵۵
میانی	۰/۴۳۵	۲	پایین		
شمال غرب	۰/۳۰۴	۳	پایین		
جنوب شرق	۰/۲۸۹	۴	پایین		
جنوب غرب	۰/۲۶۵	۵	پایین		
شمال	۰/۲۶۱	۶	پایین		
جنوب	۰/۱۸۷	۷	پایین		
شمال شرق	۰/۱۷۳	۸	پایین		
غرب	۰/۱۲۹	۹	پایین		

نتیجه:

در ایران منطقه‌ای با درجه توسعه بالای طبیعی وجود ندارد. تنها منطقه مرکزی از نظر شاخصهای اقتصادی - اجتماعی در سطح توسعه بالا قرار می‌گیرد. منطقه غرب کشور از نظر شاخصهای طبیعی، اقتصادی - اجتماعی و تلفیقی جزء بحرانی‌ترین و عقب‌مانده‌ترین مناطق کشور محسوب می‌گردد.

همواره تفاوت آشکاری در اندازه شاخص توسعه مناطق وجود دارد. میزان شکاف یا نابرابری در اندازه شاخصهای اقتصادی - اجتماعی بسیار بیشتر از اندازه شاخصهای توسعه طبیعی است. مسئله مهم در این پژوهش عدم وجود همبستگی میان شاخصهای توسعه طبیعی با شاخصهای توسعه اقتصادی - اجتماعی

است ($r = -0/0076$).

در واقع الگوی فضایی توسعه منطقه‌ای ایران از «تئوری مرکزی - پیرامون» پیروی کرده است که ارتباط قوی اقتصادی - اجتماعی میان مرکز و پیرامون وجود ندارد. از دیدگاه برنامه‌ریزی منطقه‌ای بایستی در الگوی فضایی توسعه تجدیدنظر گردیده و تخصیص بهینه منابع با توجه به درجه توسعه یافتگی پایین مناطق صورت پذیرد تا تفاوت‌های میان مناطق کاهش یابد.

منابع:

- ۱- سازمان برنامه و بودجه، طرح پایه آمایش سرزمین، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۰.
- ۲- سازمان برنامه و بودجه، وضع موجود سازمان فضایی کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۶.
- 3- UNDP, Human Development Report, NewYork, Oxford Univesity press, 1998.
- 4- Clark, W. A. V., Statistical Methods for Geographers, University of California, New York, 1976, p. 86.
- ۵- مرکز آمار ایران، نتایج مقدماتی سرشماری نفوس و مسکن، تهران، ۱۳۷۵.
- ۶- مرکز آمار ایران، آمار کارگاه‌های صنعتی کشور، تهران، ۱۳۷۲.
- ۷- مرکز آمار ایران، آمار معادن فعال کشور، تهران، ۱۳۷۳.
- ۸- وزارت مسکن و شهرسازی، مطالعات طرح کالبدی ملی ایران، تهران، ۱۳۷۶.